

دو عالم یک دریا می جویم کلبه

مروری بر دفتر شعر نعمت دریا



امان میرزایی



است و بد این جا

بیشتر تعابیر و تصاویر این کتاب برگرفته از فضای عمومی جامعه و شعر است؛ آن چنان که دیگر شاعران می نویسند. عناصر، اشیا و محیط پیرامونی در شعرهای قند تلخ به وفور به چشم می خورد. کلماتی که ریشه هزاره‌گی دارند و خاص منطقه زیستی و سرزمین مادری شاعر است و به او کمک کرده است که برای بیان مفاهیم، بهتر عمل کند.

است؟ و یا این که مرگ و زندگی هر دو به دست اجل است؟... در این مجموعه از ظرفیت‌های زبانی آن چنان که باید استفاده نشده است؛ ظرفیت‌هایی چون ترکیب‌سازی، جابه‌جایی و بازی‌های زبانی و...؛ اما تعداد محدودی بازی‌های زبانی در این کتاب دیده می‌شود مثل شعر صفحه ۳۱ مصر آخر. از غم به مثل موی تو، تو تو موشه دلم. در این مصرع چند هجای شبیه به هم در کنار هم استفاده شده است و موسیقی ایجاد شده است. آقای دریاب باید بداند که فضای ادبیات ما آکنده از عناصر زبانی است که می‌شود برای بهتر کردن زبان و قدرت بخشیدن به آن در شعرها استفاده کرد.

صور، تعابیر و تشبیهات شاعرانه

بیشتر تعابیر و تصاویر این کتاب برگرفته از فضای عمومی جامعه و شعر است؛ آن چنان که دیگر شاعران می‌نویسند. عناصر، اشیا و محیط پیرامونی در شعرهای قند تلخ به وفور به چشم می‌خورد. کلماتی که ریشه هزاره‌گی دارند و خاص منطقه زیستی و سرزمین مادری شاعر است و به او کمک کرده است که برای بیان مفاهیم، بهتر عمل کند. کلمات و تعابیر محلی زیادی در شعرها هست که در ذکر مثال و عنوان خودداری می‌کنم.

مضمون فکری

در این که شاعر مجموعه قند تلخ به چه اندازه رسالت اجتماعی را به گردن خود احساس می‌کند، می‌توان در شعرهای او جستجو کرد. نعمت دریاب بسیار به لهجه قوم و جامعه خویش پرداخته است. مفاهیم و موضوعات اجتماعی خویش را بیان می‌کند؛ اما شاعران باید فراتر از عوام مردم بیندیشند و اندیشه‌هایش را به مردم انتقال دهند. در شعرهای نعمت دریاب بیشتر دغدغه‌های شخصی مطرح شده است و کمتر به مسائل انسانی جهان پرداخته است. با تمام احترام به مجموعه قند تلخ که بیشتر به مضمون‌های شخصی و قومی پرداخته است. سخنی از آقای مک لوهان ذکر می‌شود مبنی بر این که دو نوع رهبر افکار عمومی در دنیا وجود دارد.

۱. رهبر افکار عمومی رسمی مثل رئیس جمهور و وزیر و اندیشمندان سیاسی؛

۲. رهبر افکار عمومی غیر رسمی مثل شاعران و نویسندگان. شاعران و نویسندگان می‌توانند تفکر مردم را رهبری کنند، مردم را به سمت جنگ یا صلح بکشاند، آن‌ها را انقلابی بار بیاورند و یا این که منفعل و در خواب مانده. از این رو، در مجموعه قند تلخ، از تفکر جنگ یا صلح، فقر یا ثروت، امید و شور و... مضمون‌هایی انسانی از این دست خبری نیست.

قند تلخ مجموعه شعر نعمت دریاب است که با قطع رقیعی توسط نشر واژه در کابل به چاپ رسیده است. کتاب قند تلخ در پاییز ۱۳۹۶ و در ۸۲ صفحه منتشر شده و جلدش را نعمت روان طراحی کرده است که تقریباً حذف نسبت به دفتر شعر، طرحی متوسط است؛ اما اسم کتاب خیلی با محتوای داخل کتاب همخوانی ندارد. شعرها عموماً عاشقانه است در حالی که اسم کتاب، معنای تلخ‌تر را در ذهن مخاطب متبادر می‌کند. صفحه‌آرایی کتاب ساده و خوب است و مقدمه قنبر علی تابش، نمایش خوبی از این کتاب به دست می‌دهد.

نقد در ادبیات ما نوپا و جوان است و عیب نقد معاصر ما گاه در ذهن‌گرایی آن و گاه در کلی‌گویی‌ها و اظهارات زیبا ولی اثبات نشده و گاه در لحن و شیوه آن است. به نظرم منتقد شعر امروز اگر می‌خواهد از مواضع علمی به موضوع نقد برخورد کند باید نظر خود را درباره آن چه که ما آن را ملاک‌های عینی نقد می‌نامیم ارائه کند.

در کل مجموعه «قند تلخ» را می‌توان از چند زاویه مورد بررسی قرار داد.

زبان

قند تلخ مجموعه‌ای از شعرهای عامیانه است که زبانی کلاسیک و بومی را برگزیده است. شعری که محتوای آن عامیانه باشد، زبانش نیز باید نزدیک به مردم و از دل همین جامعه باشد. البته که ادبیات جدی، زبان جلدی‌تر و محکم‌تر را می‌طلبد. در این کتاب تعدادی ضعف تألیف و نارسایی زبان دیده می‌شود که همراه با مشکل وزنی نیز هست. به عنوان مثال شعر صفحه ۱۵، مصرع: وقتی که مرگ و زندگی دست اجل شده، به راحتی نمی‌توان فهمید منظور شاعر چه بوده است؛ یعنی مرگ و زندگی در دست اجل

ز باد دهن نغمه‌ها ساخته بود

عرب مردکی چنان نی سرود

شیوه تألیف و ترکیب شعر

این کتاب در زمره ادبیات فولکلور قرار می‌گیرد و در بعضی از شعرها و ابیات اضافه‌گویی دیده می‌شود. در بعضی جاها که زبان محلی را با زبان معیار ترکیب کرده موفق عمل کرده است و شعر خوبی از کار در آمده است، مثل شعر صفحه ۲۸ و ۲۹ کتاب.

خانی مه بیه خوشی و لبخند بیاور

بر تلخی کامم کمکی قند بیاور

... و

شعرهای صفحه ۳۹ و ۴۱ از همین دست شعرهای خوب این مجموعه است و دوبیتی‌های ۱۹، ۲۴، ۲۷ و ۲۸ و ۲۹ و ۳۲ از بهترین‌های این مجموعه است.

ابتکار یا تقلیدی بودن شعرها

ایمان‌نیل کانت در کتاب خود به نام نقد داوری می‌گوید: «شعر بازی سرگرم کننده خیال است که چیزی را به خواننده می‌دهد که وعده نکرده است و از دادن چیزی که وعده کرده است عاجز است. باید گفت حرف‌های به ظاهر ژرفی است که قالباً محتوای جدی آن کم است.»

شاعر معروف معاصر شوروی، میخائیل سوه‌تولوف درباره ضرورت ابداع در شعر می‌گوید: از چه باید ترسید؟ از جدول ضرب؟ شما که ۹×۹ تا می‌شود هشتاد و یکی را اختراع نکرده‌اید. شما که وطن را باید دوست داشت را اختراع نکرده‌اید؛ ولی باید همین‌ها را طوری عرضه کنید به مخاطب که نو و بدیع باشد. در نهایت شما کسی هستید که دو چرخه چوبی می‌سازد و حال آن که بیچاره خبر ندارد که دو چرخه آهنی مدت‌هاست که اختراع شده است. این نوگویی کهنه همان چیزی است که برتولد برشت آن را غریب‌سازی می‌نامد؛ به این معنا که مضمون‌ها، تصاویر و مفاهیم کهنه را عوض کنیم و به خورد مردم بدهیم. به نظر شخصی من شعری ماندگار است که در آن ابداع وجود داشته باشد و شاعر بتواند مضمون‌ها و تصاویر جدید، مفاهیم بدیع و تازه بیافریند. این کتاب سراسر توصیف است از محیط اطراف و اندیشه خاصی در پشت کتاب نیست.

نعمت دریاب استعداد خارق‌العاده‌ای در ادبیات فولکلور دارد و می‌تواند ترانه‌های بهتر و بیشتر خلق کند؛ اما باید بداند ادبیات جدی، تلاش و جدیت می‌خواهد. به گفته حافظ بزرگ: به صدق کوش که خورشید زاید از نفست. نعمت دریاب را باید ستود و گرامی داشت. پرداختن او به شعر و ادبیات در غربت قابل ستایش است. امروز، ما برای حفظ فرهنگ و زبان خود به انسان‌هایی چون نعمت دریاب احتیاج داریم. ما باید بکوشیم تا فرهنگ خود را حفظ کرده و به نسل‌های بعد انتقال دهیم. این فرهنگ است که ما را ساخته و به انسان بدل کرده است.

از جهت تکنیک و فن، این مجموعه در قالب شعر کلاسیک قرار می‌گیرد، زبان و بافت ادبیات بومی را به خدمت گرفته و از واژه‌های محلی استفاده کرده است. بیشتر این شعرها برای ترانه شدن ساخته شده‌اند. این شعرها جناحی و یا تفکر خاصی را دنبال نمی‌کنند و بیشتر عامیانه هستند که در ذکر آن‌ها می‌شود تمام این مجموعه را مثال زد.

تنها در چند دوبیتی توانسته موفق باشد و مضمون عمومی‌تر و انسانی را به مخاطب عرضه کند، مثل دوبیتی ۱۹ و ۲۴ و ۲۸ و ...

گل و بلبل موشه تکفیر نشنه؟

قناری از قلخ تحقیر نشنه؟

دل انسانیت از ما می‌رنجه!

اگر از خوبی‌ها تقدیر نشنه.

دلت هرگز پریشانی ندیده

خیالت خانه ویرانی ندیده

ستم‌هایی که از تو دیده‌ام من

یک افغانی از ایرانی ندیده

اگر تو خشگل قشلاق باشی

و یا هم لاغر و یا چاق باشی

نه عیب و افتخاره این و باید

اول در آدمیت طاق باشی

شکل

از جهت تکنیک و فن، این مجموعه در قالب شعر کلاسیک قرار می‌گیرد زبان و بافت ادبیات بومی را به خدمت گرفته و از واژه‌های محلی استفاده کرده است. بیشتر این شعرها برای ترانه شدن ساخته شده‌اند. این شعرها جناحی و یا تفکر خاصی را دنبال نمی‌کنند و بیشتر عامیانه هستند که در ذکر آن‌ها می‌شود تمام این مجموعه را مثال زد. ضعف تألیف و مشکلات زبانی در بعضی شعرها دیده می‌شود، مثل شعر صفحه ۱۵، وقتی که مرگ و زندگی دست اجل شده.

شعر صفحه ۴۳ مصرع ۶ و ۷:

این خواهش به جا نیست، من دست و پا شکسته‌ام

تو بر فراز آسمان پرواز کن و خوش باش

شعر صفحه ۴۷ در هیچ قالبی نمی‌گنجد. یک دوبیتی و یک سه‌بیتی

پشت سر هم آمده است و هم چنین شعر صفحه ۴۹ که همین مشکل را

دارد. در شعر صفحه ۵۳ چند مشکل وزنی وجود دارد. به طور مثال:

شروع کرد و گفت داستانش دراز

دو دستش به دور نی انداخته بود